

Identifying Factors Related to the Unity of the Seminary and the University (Mixed Approach)

Alireza Ghasemizad (Ph. D)¹

Abstract

The aim of this study was to identify the problems of seminary and university communication and provide appropriate solutions. In this research, sequential exploratory combined research method has been used. In a quantitative part of the theory derived from the data and in the qualitative part, descriptive survey method has been used. The research instrument was semi-structured interview and a researcher-made questionnaire was made in the qualitative section. Purposive sampling method was used in the qualitative section. The number of samples in this study was 20 based on the principle of theoretical saturation, but to ensure more than the results of the interview, up to 25 people continued and validation was done through believability, transferability, reliability and verifiability. In a quantitative part, stratified random sampling was used and content method was used for validity of the questionnaire and Cronbach's alpha was calculated to be 0.91. The findings show that the main components of the problem are the relationship between the seminary and the university including conflict, epistemology, cognition and attitude. Also, the findings in the quantitative section show that from the perspective of the seminarians and the university, conflict is the most important cause of the problems of interaction between the seminary and the university. The most important factor in creating problems between the seminary and the university has been expressed from the perspective of the seminarians, the influence of the enemy in the university and the seminary, and the attempt to create divisions between the two groups and from the university's point of view, the lack of an atmosphere of convergence and lack of familiarity with each other's insights and attitudes.

Keywords: *Communication, Domain, University, Interaction of Seminary and University.*

1. Department of Educational Administration, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran, Alireaghasemizad@gmail.com

شناسایی عوامل مرتبط با وحدت حوزه و دانشگاه (رویکردی آمیخته)

دکتر علیرضا قاسمی زاد*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه و ارائه راهکارهای مناسب است. در این تحقیق از روش پژوهش ترکیبی متوالی اکتشافی استفاده شده است. در بخش کمی از نظریه برخاسته از داده‌ها و در بخش کیفی از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. ابزار تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کیفی پرسشنامه محقق ساخته است. در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند، استفاده شد. تعداد نمونه‌ها در مطالعه حاضر بر اساس اصل اشباع نظری ۲۰ نفر بود ولی برای اطمینان بیشتر از نتایج مصاحبه تا نفر بیست و پنجم ادامه پیدا کرد و اعتبار یابی از روش قابلیت باورپذیری، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان‌پذیری و قابلیت تأیید پذیری انجام شد. در بخش کمی از روش تصادفی طبقه‌ای استفاده و برای روایی پرسشنامه نیز از روش محتوایی استفاده شده است و آلفای کرانباخ کلی پرسشنامه ۰/۹۱ محاسبه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اساسی مشکل ارتباط بین حوزه و دانشگاه شامل تعارض، معرفت‌شناختی و شناخت و نگرش می‌باشد. همچنین یافته‌ها در بخش کمی نشان می‌دهد که از دید حوزویان و دانشگاه، مؤلفه تعارض مهم‌ترین عامل مشکلات تعامل بین حوزه و دانشگاه می‌باشد. مهم‌ترین عامل ایجاد مشکلات بین حوزه و دانشگاه از نظر حوزویان، نفوذ دشمن در دانشگاه و حوزه و تلاش بر ایجاد تفرقه بین دو قشر و از دید دانشگاه، کمبود فضای هم‌اندیشی و عدم آشنایی با بینش‌ها و نگرش‌های یکدیگر بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: ارتباط، حوزه، دانشگاه، تعامل حوزه و دانشگاه.

*. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

Alireaghasemizad@gmail.com

مقدمه

امروزه به دلیل مواجهه با حمله‌های غرب در شاخه‌های مختلف علمی، فرهنگی و سیاسی، بیش از پیش نیازمند وحدت ناگسستنی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها به‌عنوان مغز متفکر و قلب جامعه و بازوان فرهنگی و علمی کشور هستیم (گرداب، ۱۳۹۰). در حقیقت در شرایط جامعه‌ی امروزی لازم است که بین دانشگاه و حوزه تعامل وجود داشته باشد و هر دو در یک مسیر، فعالیت‌هایی را انجام داده و اهداف مشترکی را در جهت رسیدن به تعامل مطلوب، برای خود تعیین کنند. در این خصوص مفتوح معتقد است که اگر این دو قشر، به درستی هم را شناخته و با هم تفاهمی عمیق و اساسی داشته باشند؛ دیگر، جناح‌های غرب و شرق زده از منافقان و چپ‌گرایان و... طمع تفرقه را در سر نخواهند پرورانید (گلی زواره، ۱۳۸۸). بنابراین جدایی حوزه و دانشگاه و علوم دینی از علوم جدید، آثار زیان‌بار زیادی برای جامعه و آینده فرهنگی آن می‌تواند ایجاد کند و این در شرایطی است که این دو به شدت به یکدیگر نیاز دارند.

عنوان حوزه علمیه با ترکیب دو واژه «حوزه» به معنی قلمرو و محدوده فعالیت و «علمیه» منسوب به علم و علما درمجموع به مفهوم محل تحصیلات عالی در فقه شیعی به کار برده می‌شود (دانشیار، ۱۳۹۱). حوزه علمیه را می‌توان، اصلی‌ترین نهاد آموزش، تربیت و سازمان‌دهی صاحب‌نظران و مبلغان اسلامی در سطوح مختلف معرفی کرد؛ در واقع با پیشینه‌ای تاریخی و به‌منزله یک سازمان اجتماعی، دارای اهداف، ساختار، سازوکار و نقش و کارکرد درون اجتماعی خاصی بوده است (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵) همچنین در تعریف دانشگاه می‌توان عنوان کرد که دانشگاه محل دانش، جای دانش و جای علم؛ اصطلاحاً مؤسسه‌ای که در آن آموزش درجات عالی علوم و فنون، ادبیات و فلسفه و هنر انجام شود (دهخدا، ۱۳۷۷). در حقیقت دانشگاه مهم‌ترین نهاد علمی به حساب می‌آید؛ تا جایی که در این نهاد دانشجویانی تربیت می‌شوند که سرنوشت کشور را می‌سازند و آینده‌ی کشور به تربیت صحیح و اصولی این دانشجویان بستگی دارد؛ بنابراین لازم است که تمامی فعالیت‌ها و اهداف دانشگاه با اصول اسلامی و جامعه همخوانی داشته باشد.

در حقیقت بحث وحدت حوزه و دانشگاه، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت

همراهی و همگامی حوزه و دانشگاه و برای رسیدن به افق‌هایی جدید و هدایت و رهبری جامعه، توسط حضرت امام (ره) مطرح شد (نبوی، ۱۳۸۲) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با نگاه راهبردی به وحدت حوزه و دانشگاه، آن را بزرگ‌ترین پیروزی می‌دانستند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۱). در حال حاضر نیز بسیار مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و هست؛ اما به نظر می‌رسد که دامنه بحث چنان گسترده است که در طول این سال‌ها که بحث‌ها و گفتگوهای فراوانی توسط اندیشمندان در مورد آن مطرح شده؛ با این حال هنوز ناگفته‌هایی وجود دارد که می‌تواند به پیشبرد هدف وحدت حوزه و دانشگاه کمک کند.

صاحب‌نظران و اندیشمندی که در این عرصه به بحث و چالش‌های فکری پرداخته‌اند، به سه گروه تقسیم می‌گردند: گروه اول معتقد است که ارتباط بین دانشگاه و حوزه روند رو به رشدی طی می‌کند، اما روند آن کند است. با این وجود آن‌ها نسبت به آن امیدوار هستند. گروه دوم اساساً معتقدند که وحدت حوزه و دانشگاه چیزی فراتر از گنجاندن درس اسلامی در میان درس‌های دانشگاهی می‌باشد و گروه سوم نیز به‌طور کلی اعتقاد دارند که اساساً این دو نهاد بسان دو خط موازی بوده و هیچ‌گاه به هم نخواهند رسید و با یکدیگر منقطع نمی‌گردند و آنچه هم‌اکنون در خصوص انتظار وحدت حوزه و دانشگاه بیان می‌شود در حقیقت بحثی آرمان‌گرایانه است که عینیت نخواهد یافت. به‌رحال وجود همین چند گروه نشانگر نوعی شکاف در دو نهاد است که نیاز به ترمیم رابطه و اعتمادسازی را دوچندان می‌سازد. بسیاری از اندیشمندان اسلامی بر فاصله و شکاف بین دانشگاه و حوزه صحه گذاشته‌اند و معتقدند که یکی از مشکلات جامعه، شکاف میان این دو نهاد است و اگر علم و دین درهم ادغام شوند و در اصل وحدت یابند و متحد شوند، بسیاری از مشکلات امروزه قابل حل است؛ زیرا علم بدون دین و معرفت ناقص بوده و دین بدون علم و معرفت هم محل پیشرفت ندارد (شیرازی، ۱۳۸۶).

بنابراین به نظر می‌رسد بین حوزه و دانشگاه آن ارتباط مطلوبی که مد نظر امام خمینی (ره) و شهید مفتح بوده، وجود ندارد (نبوی، ۱۳۸۲؛ گلی زواره، ۱۳۸۸)؛ در واقع وحدت هرچه بیشتر حوزه و دانشگاه؛ نتایج فراوانی را به همراه دارد؛ از جمله مهم‌ترین این نتایج می‌توان به افزایش خدانشناسی، دین‌داری، روحیه علمی صادقانه، همکاری خدادوستانه اشاره کرد. پرداختن به مشکلات دانشگاه خصوصاً حوزه تا آنجا اهمیت دارد که شهید مطهری (۱۳۹۲: ۲۸۴) می‌نویسد

«برخی از اندیشمندان اجتماعی ما به واسطه عدم علاقه و اعتقاد ممکن است هیچ‌گاه درباره سازمان روحانیت و مشکلات آن و راه حل آن‌ها نیندیشیده باشند، همان‌طوری که همه علاقه‌مندان کوتاه فکر و بی‌خبر نیز هیچ‌گاه این‌گونه اندیشه‌ها در مغز ساده‌شان راه نمی‌یابد؛ اما علاقه‌مندان روشن‌اندیش اسلام یکی از مهم‌ترین موضوعات که فکر آن‌ها را به خود مشغول می‌دارد، همین موضوع است.» در همین راستا، مطالعه حاضر در پی آن است که مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه را شناسایی و اولویت‌بندی کند و برای حل این مسائل راهکارهایی ارائه دهد؛ بنابراین هدف اصلی این تحقیق، تدوین الگوی مشکلات کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه و ارائه راهکارهای مناسب است.

پیشینه تحقیق

به نظر می‌رسد که محققان در خارج از کشور، تحقیقاتی در مورد موضوع تحقیق انجام نشده است؛ بنابراین در اینجا فقط به تحقیقات داخلی پرداخته می‌شود. اگرچه پژوهشی که به روش آمیخته به موضوع پرداخته بسیار اندک بوده یا منتشر نشده است. در ادامه به تعدادی از این پژوهش‌های انجام‌شده اشاره می‌شود:

میرزا محمدی و صحبت‌لو (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه» اهداف مشترک این دو از جمله تربیت نیروهای متخصص و موردنیاز جامعه، تربیت استاد و معلم کارآموز برای دوره‌های مختلف، اشاعه فرهنگ علمی، ادبی و هنری، سازندگی جامعه، تلاش در راستای نظریه‌پردازی الگوی نوین و توسعه دینی و... مورد بررسی قرار داده‌اند. پیشنهادات و راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش از این قرار است: استفاده کردن دانشگاه در زمینه شاگرد پروری از تجربیات حوزه، بهره‌مند شدن حوزه در زمینه علوم جدید از دانشگاه، حضور اساتید و روحانیون در حوزه و دانشگاه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، همایش‌های تخصصی و تألیف مقالات و کتب در مورد اهداف مشترک حوزه و دانشگاه.

گل محمدی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی تاریخی بر وحدت حوزه و دانشگاه» به این نتیجه رسیده است که میزان احساس وحدت حوزه و دانشگاه، بالاتر از متوسط است. هرچند احساس وحدت حوزویان نسبت به قشر دانشگاهی تا حدی بیش از احساس وحدت دانشگاهیان

نسبت به قشر روحانی است و اگر بخواهیم دو قشر روحانی و دانشگاهی نسبت به هم احساس وحدت و همدلی داشته باشند، باید در روند اجتماعی شدن نسل‌های جدید، از مداخله و هرگونه سخن یا عملی که به اهداف فوق آسیب می‌رساند، جلوگیری کرد.

مجیدی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «همگرایی حوزه و دانشگاه: ضرورتی برای تحقق اهداف ملی» به بررسی وحدت این دو نهاد پرداخته و سازوکارهایی برای دستیابی به همگرایی مطلوب پیشنهاد داده است. این پیشنهادها عبارت‌اند از: کارکردگرایی بر پایه سند راهبردی، ایجاد ایستگاه‌ها یا کارگروه‌های تحقیقاتی مشترک در سطوح ملی و محلی، هم‌افزایی ظرفیت‌های پژوهشی برای حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی و برنامه‌های مشترک جهت استفاده مطلوب‌تر از ظرفیت فضای مجازی.

احمدی و افشانی (۱۳۸۷) «نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر» را مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه تحقیق ایشان ۵۰۰۰ نفر از دانشگاهیان و ۱۰۰۰ نفر از حوزویان بودند. داده‌های پژوهش، از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده و بر اساس یافته‌های آن، در مجموع حوزویان نگرش مثبت‌تری نسبت به دانشگاهیان دارند. در این میان حوزویان تمایل بیشتر و دانشگاهیان تمایل کمتری برای نزدیک شدن به نهاد دیگر از خود نشان داده‌اند. همکاری‌ها و ارتباط حوزه و دانشگاه در سطح پایینی است و فاصله اجتماعی دو نهاد بسیار زیاد است.

جمشیدی و محمدی (۱۳۸۹) «مبانی تحقق حوزه و دانشگاه را از دیدگاه امام خمینی (ره)» بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان دادند که امام (ره)، شناخت و آگاهی که مشتمل بر شناخت اهداف، رسالت، امکانات، ابزارها، نیروها و توانایی‌ها می‌باشد را به‌عنوان اجزای وحدت معرفی کرده و بر روی بینش و بصیرت عقلانی و منطقی و مبتنی بر معنویات، ارکان عقیدتی اسلام به‌ویژه توحید، استقلال، آموزش و پژوهش همراه با تزکیه و تربیت و معنویت و اخلاق، ارتباط با جامعه و مردم‌داری، دشمن‌شناسی و پرهیز از تعصب افراطی و جزم‌اندیشی و محافظه‌کاری تأکید شدید دارند.

شایسته نژاد (۱۳۹۰) «موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه» را با هدف آسیب‌شناسی عوامل مزاحم تقویت وحدت این دو قشر از منظر درون‌شخصیتی و عوامل بیرونی و تبیین راهکارهای سرعت‌دهنده موردبررسی قرار داده است. نتایج تحقیق ایشان نشان داده

است که دانشگاه از حوزه، مؤلفه‌هایی چون پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به کیفیت، تقویت انگیزه‌های معنوی و ... و همچنین حوزه از دانشگاه، مؤلفه‌هایی چون روش‌ها و فنون جدید آموزش را برداشت و هر دو برای کاربردی کردن آموخته‌ها و ظهور آثار آن در جامعه همکاری کنند.

کوشکی و آجرلو (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «تئوری وحدت حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی و رهیافتی بر استعاره معناگرای قدرت در حقوق عمومی» به این نتیجه دست یافتند که نظریه تولید قدرت در انقلاب اسلامی و مبانی بازتعریف حقوق عمومی، مبتنی بر تعامل ارزش و دانش در قالب وحدت حوزه و دانشگاه که با فرایند تولید معنا می‌گیرد، صرفاً یک شعار یا شور خاص انقلابی نیست؛ بلکه از استراتژی‌های اصلی و مبتنی بر مبانی اساسی انقلاب اسلامی است. پس لازم است اندیشمندان حوزه و دانشگاه به رسالت خود در این زمینه آگاه بوده و راهکارهای وحدت حوزه و دانشگاه را به‌طور جدی تر در راستای تئوری پردازی بومی مورد توجه قرار دهند.

روش تحقیق

از آنجاکه روش‌های تحقیق کمی و کیفی به تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی‌های مسائل و عناصر تشکیل‌دهنده جامعه و سازمان را بدون سوگیری مورد مطالعه قرار دهند، ترکیب این روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته و از آن تحت عنوان روش تحقیق آمیخته یاد شده است (ثالر^۱، ۲۰۱۷). لذا در این تحقیق با توجه به انجام روش کیفی و سپس کمی برای حمایت از آن مرحله از رویکرد اکتشافی متوالی^۲ استفاده شده است. از آنجاکه در بخش کیفی به شیوه‌ی نظریه برخاسته از داده‌ها، ابعاد و گویه‌های سازنده مؤلفه را به دست می‌آورد؛ جزء طرح‌های متوالی اکتشافی با رویکرد استقرایی می‌باشد و در بخش کمی این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل دو بخش است: ۱- بخش کیفی شامل پیشینه (کتاب‌ها، مقالات و سایت‌ها) و همچنین متخصصان دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام نور و علمی - کاربردی و

1. Thaler

2. Sequential exploratory

اساتید برجسته حوزه‌های علمیه؛ ۲- بخش کمی شامل استادان دانشگاه‌های دولتی، آزاد استان فارس و کلیه روحانیون حوزه‌های علمیه در سال ۹۶-۱۳۹۵. در بخش کیفی از شیوه نمونه‌گیری هدفمند با رویکرد افراد کلیدی استفاده شده است که این جامعه بر اساس اصل اشباع نظری، شامل ۲۰ نفر می‌شد، اما برای اطمینان بیشتر از نتایج مصاحبه تا نفر بیست و پنجم ادامه پیدا کرد و اعتبار یابی از روش قابلیت باورپذیری، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان‌پذیری و قابلیت تأیید‌پذیری انجام شد. در بخش کمی هم با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۵۲۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند که از این تعداد ۱۲۰ نفر روحانی و تعداد ۴۰۰ نفر هیئت‌علمی بودند. در قسمت اول جهت استخراج مقوله‌ها، ملاک‌ها و نشانگرها، برای دستیابی به موانع و مشکلات مربوط به وحدت بین حوزه و دانشگاه، کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های مرتبط با موضوع مورد کنکاش قرار گرفت و در ادامه با برخی از صاحب‌نظران در طول سال ۱۳۹۵، مصاحبه هدایت شده و نیمه ساختاریافته به عمل آمد. مصاحبه با سؤالات اصلی طرح شده شامل «موانع و مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه در حال حاضر چیست؟» «از بین این موانع، به نظر شما مهم‌ترین مانع کدام است؟» و «راهکار ارتباط مناسب بین حوزه و دانشگاه چیست» انجام شد. مدت‌زمان مصاحبه برای هر فرد ۳۰ دقیقه در نظر گرفته شد و با کسب اجازه از افراد، صدای آنان ضبط شد. برای اعتبار سنجی این بخش از روش سه سویه‌سازی (ثلیث) استفاده شد؛ این روش که می‌تواند با روش‌های دیگر ترکیب شود، تئوری‌های زیربنایی پژوهش، محقق و روش‌های گردآوری داده‌ها را، به صورت هماهنگ با یکدیگر پیوند می‌دهد. دنیزل^۱ این روش را برای اولین بار مطرح کرد (هامرسلی و آتکینسون^۲، ۲۰۰۷). به زعم ولکات^۳ (۲۰۰۳) روش سه سویه‌سازی شامل تکنیک‌هایی است که محقق از آن‌ها برای تکمیل و تأیید اطلاعات خود استفاده می‌کند. در تحقیقات کیفی، اعتبار درونی به این بستگی دارد که تا چه حد دو یا چند مشاهده‌گر در مورد یک موضوع توافق دارند. برای افزایش قابلیت اعتماد و اعتبار درونی از روش‌های گوناگون سه سویه‌سازی استفاده می‌کنند که در آن از مقایسه اطلاعات برای تعیین این که همگرایی در مورد یک مفهوم، وجود دارد یا خیر استفاده می‌شود (امین مظفری و شمسی، ۱۳۹۰).

1. Denizell
2. Hammersley & Atkinson
3. Wolcott

همچنین برای افزایش اعتبار درونی تحقیق از دو کدگذار استفاده شد و تمام مراحل به تائید استاد رهنما رسیده و اصلاحات لازم انجام شد. با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. کدگذاری روند یا فرایندی است که طی آن داده‌های خام تفکیک، مفهوم بندی و ترکیب می‌شوند؛ به گونه‌ای که حاصل این فرایند بتواند نظریه زمینه‌ای نهایی را ارائه کند. در فرآیند کدگذاری، واحد تحلیل «مفهوم» است (الری^۱، ۲۰۰۴). در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده همراه با «مقوله هسته» استخراج می‌شوند. «مقوله هسته» باید قدرت تحلیلی داشته باشد و دیگر مقولات را نیز پوشش دهد. در مرحله کدبندی انتخابی که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدبندی دو مرحله قبلی است، پژوهشگر در عمق داده‌ها به تحلیل پرداخته و آن‌ها را در قالب نظریه‌ای که همان نظریه زمینه‌ای و هدف اصلی پژوهش برای درک موقعیت بوده است، ارائه می‌دهد (کرسول^۲، ۲۰۰۷) که در این فرآیند پژوهشگر پس از تعیین مقوله محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری را در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم می‌کند.

پس از دستیابی به داده‌های کیفی و مدل کشف شده، به منظور نظرخواهی از صاحب‌نظران، پرسشنامه محقق ساخته و بسته - پاسخ طراحی شد. سپس، به منظور تعیین میزان اعتبار (روایی) و مطلوبیت، پرسشنامه در قالب فرم روایی محتوایی در اختیار ۲۰ نفر از استادان و صاحب‌نظران قرار گرفت و دیدگاه‌های اصلاحی آنان هم به صورت کیفی و کمی اخذ و بر اساس نظرات آن‌ها، نقایص پرسشنامه برطرف و اصلاح گردید. همچنین برای بررسی روایی محتوا به شکل کمی از ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) استفاده شد. این ضریب ۰/۵۷ بود که نشان‌دهنده روایی مناسب پرسشنامه است (کریر، دالسیو و براون^۳، ۱۹۹۰). به این ترتیب از متخصصان درخواست شد تا هر گویه را بر اساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، «مفید است ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» بررسی نمایند و پرسشنامه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (بسیار کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، بسیار زیاد = ۵) ساخته شد. پس از آن جهت تعیین پایایی از روش همبستگی درونی (آلفای کرانباخ) استفاده شد. بدین منظور، برای تأمین پایایی درونی در یک مطالعه آزمایشی، پرسشنامه

1. Oleary
2. Creswell
3. Carrier, Dalessio & Brown

توسط ۳۰ نفر از افراد نمونه به صورت تصادفی تکمیل و ضریب آلفای کرانباخ محاسبه گردید. مقدار به دست آمده برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ محاسبه گردید. با توجه به اینکه مقدار به دست آمده بیشتر از ۰/۷۰ بود، پایایی ابزار اندازه گیری قابل قبول تلقی گردید. مقدار آلفا برای هر یک از مؤلفه ها نیز محاسبه شد. مقدار آلفا برای مؤلفه شناخت و نگرش ۰/۹۱، معرفت شناختی ۰/۸۹ و تعارض ۰/۹۲ محاسبه شد.

نتایج

مؤلفه های مشکلات کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضای هیئت علمی دانشگاه ها چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخ به این سؤال از نظریه برخاسته از داده ها استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های کیفی بر اساس راهنمای ارائه شده توسط کریبن و استراس (۱۹۹۰) که شامل سه مرحله اصلی کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی (گزینشی) است؛ انجام شده است؛ نمونه کد گذاری باز در جدول ۳ مشخص شده است. در مرحله کد گذاری باز تعداد ۲۸ مفهوم از مصاحبه با پژوهشگران و اساتید استخراج گردید. کدهای اولیه به دست آمده شامل کد اولیه، نگرش منفی، عدم تعریف وحدت، ارتباط مناسب و عمومی، جمود فکری، روحیه علمی، شناخت، عدم پابندی عملی، نظام آموزشی، پژوهش، تفرقه افکنی دشمنان، تفاوت در نگرش به مسائل جامعه، کمبود فضای هم اندیشی، زبان، انگیزه، سازمان، دوگانگی حوزه معرفت شناختی، تفکر نوگرایانه، تز اسلام منهای روحانیت، کمبود نهاد، وجود حاشیه ایی دین، اهداف سیاسی و اجتماعی متفاوت، عدم پذیرش یکدیگر به عنوان همکار، عدم توازن در کسب پایگاه های اجتماعی، توزیع و کسب قدرت و بحث های سیاسی، تفسیر غلط از وحدت، عدم جدی گرفتن موضوع وحدت، کمبود اساتید مشترک و تفاوت در فضا می باشد؛ در جدول زیر شیوه استخراج کد اولیه مطرح شده است.

در مرحله کد گذاری محوری، مفاهیم استخراج شده در مرحله قبل (کد گذاری باز) در قالب ۳ مقوله عمده طبقه بندی شدند. این مقولات عمده از لحاظ انتزاعی بودن در سطح بالاتری نسبت به مفاهیم مرحله قبل قرار دارند و شامل: ۱- تعارض ۲- معرفت شناختی ۳- شناخت و نگرش می باشند. در انتها و مرحله سوم کد گذاری یعنی کد گذاری انتخابی با توجه به نتایج گام های

قبلی کدگذاری، مقوله اصلی انتخاب شده و به شکلی نظام مند به سایر مقوله ها مرتبط شد. ارتباطات اعتبار بخشیده شده و مقوله هایی که نیاز به تصفیه و توسعه بیشتر داشتند، بهبود یافتند. لازم به ذکر است که گام های فوق در فرایندی رفت و برگشتی انجام می شوند؛ بنابراین گام های کدگذاری انتخابی به شکل واضحی از یکدیگر مجزا نیستند و از طریق یک فرایند تعاملی، همراه با کدگذاری باز و محوری انجام می شود بر اساس این مقولات یک نظریه زمینه ای در قالب مدل پارادایمی ارائه شد (شکل ۱).

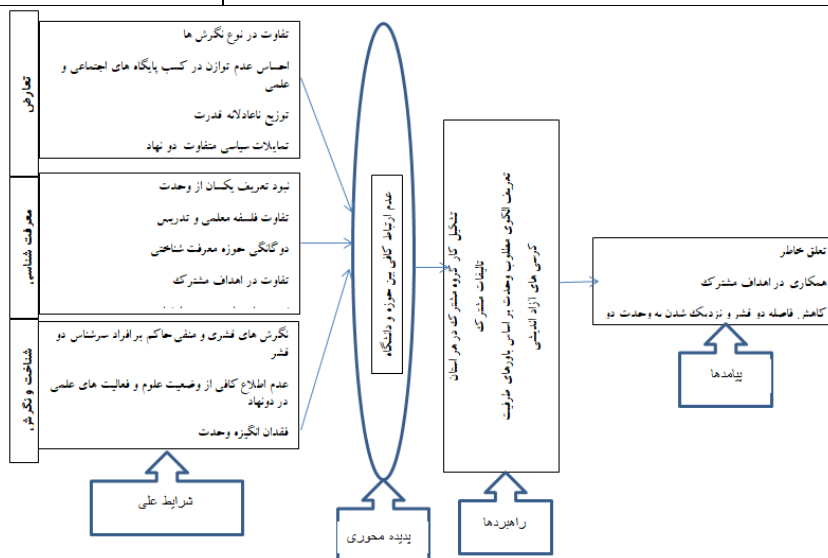
جدول ۱. کدبندی باز از داده های استخراج شده

کد اولیه (باز)	عبارت (محتوا)
نگرش منفی	وجود بدبینی ها و نگرش های منفی و غلط حاکم بر افکار و اندیشه های برخی چهره های شاخص در میان این دو قشر، بدبینی حاکم بین دو گروه، عدم تثبیت باورهای دینی در دانشگاهیان، دوری برخی از دانشگاهیان از مسائل دینی و مذهبی، دوری برخی از حوزویان نسبت به مسائل علمی و روز، وارد کردن اتهام به یکدیگر.
عدم تعریف وحدت	عدم تعریف و چگونگی برقراری ارتباط نهادینه شده و مستمر حوزه و دانشگاه، نبود تعریفی یکسان از وحدت بین دو نهاد.
ضعف در ارتباط مناسب و عمیق	عدم تفهیم طرفین از ارتباط حوزه و دانشگاه، عدم ارتباط مناسب و عمیق بین این دو قشر در نتیجه عدم شناخت کافی از فعالیت های یکدیگر، دوری و عدم ارتباط نزدیک بین دو نهاد حوزه و دانشگاه.
جمود فکری	جمود (در جا زدن و به عقب برگشتن) و تعصب نابجا بر افکار و اندیشه های افراد حوزه و دانشگاه
روحیه علمی ضعیف	نداشتن روح علمی برای بررسی امتیازات و نواقص درونی و بیرونی، مدرک گرایی حوزه و دانشگاه
مشکل شناخت	عدم شناخت کافی نسبت به فعالیت های علمی و حدود مرز آن در حوزه و دانشگاه برای افراد، عدم شناخت طرفین از فضای علمی و معنوی در حوزه و دانشگاه برای افراد، عدم شناخت کافی از نقش هر یک از این دو قشر در جامعه، عدم شناخت کافی نسبت به هم و نظر دادن در مورد هم
عدم پابندی عملی	عدم پابندی به انضباط در کارها، قانون پذیری، نظافت و بهداشت، رعایت ادب در برخی از افراد حوزوی و دانشگاهی
تفاوت نظام آموزشی	تفاوت بودن نظام آموزشی، محتوای کتاب های درسی و شیوه تدریس
روحیه پژوهش علمی	عدم توجه به روش، نوع مواد و ابزار پژوهش در بین این دو قشر

شناسایی عوامل مرتبط با وحدت حوزه و دانشگاه (رویکردی آمیخته)

کد اولیه (باز)	عبارت (محتوا)
تفرقه افکنی دشمنان	تفرقه افکنی برخی افراد سودجو و وابسته، نفوذ دشمن بر برخی افراد در دانشگاه و حوزه و تلاش بر ایجاد تفرقه بین دو قشر
تفاوت در زاویه دید نسبت به جامعه	تفاوت در نوع نگرش به مسائل جامعه، سهل گیری و سخت گیری
کمبود فضای هم اندیشی	کمبود فضای هم اندیشی و آشنایی با بینش ها و نگرش های یکدیگر
ضعیف بودن زبان مشترک	عدم وحدت زبانی و گفتمانی حوزه و دانشگاه در مورد مسائل علمی و دینی، عدم وجود مفاهیم و زبان مشترک بین این دو نهاد در بعضی از حوزه ها (مثال: فلسفه)
فقدان انگیزه	فقدان انگیزه و روحیه وحدت در میان حوزویان و دانشگاهیان
سازمان	فقدان سازمانی واحد، کم بودن فعالیت های نهادهای فرهنگی و دانشگاهی در زمینه وحدت (مثل معاونت فرهنگی) و نبود نهادهایی که مسئولیت وحدت را بر عهده بگیرند
دوگانگی حوزه معرفت شناختی	غربی بودن دانشگاه و بومی بودن حوزه، مبتنی بودن دانشگاه بر تفکر غرب گرایانه و حوزه های علمی بر مبانی دینی، تأکید حوزه بر علوم اسلامی و تأکید دانشگاه بر علوم تجربی، عینیت و ذهنیت گرایی افراطی در دو قشر
تفکر نوگرایانه	رواج اندیشه مدرنیسم (نوگرایی) در ایران و رد یا تأیید افراطی
وجود حاشیه ای دین	وجود حاشیه ای دین در دانشگاه و بی تفاوتی دانشجویان و دانشگاهیان به دلیل مشاهده واقعیت ها در جامعه
اهداف سیاسی و اجتماعی متفاوت	اهداف و تمایلات سیاسی متفاوت حوزه و دانشگاه، آلوده شدن اعضا هیئت علمی دانشگاه و روحانیون به حزب الله / آرمان ها و ایده های اجتماعی متفاوت اعضا هیئت علمی دانشگاه و روحانیون
عدم پذیرش یکدیگر به عنوان همکار	عدم پذیرش همدیگر به عنوان همکار در انجام فعالیت های اجتماعی، به رسمیت نشناختن یکدیگر درون و برون سازمانی
عدم توازن در کسب پایگاه های اجتماعی	احساس عدم توازن در کسب پایگاه های اجتماعی در جامعه توسط دو قشر.
مجادلات سیاسی	ناکامی های موردی حکومت دینی دانشگاهیان (زیرا در جامعه ما به هر حال حکومت با روحانیت پیوند خورده است). بحث های سیاسی و سیاست زدگی (دانشگاهیان احساس می کنند توزیع قدرت و ارکان سیاسی عادلانه نیست و مثلاً حوزویان سهم بیشتری از قدرت دارند)
تفسیر غلط از وحدت	تفسیر های غلط و افراطی از وحدت حوزه و دانشگاه و اراییه راهکارها و سیاست های اجرایی بر اساس این تلقی افراطی
عدم جدی گرفتن موضوع وحدت	عدم جدی گرفتن موضوع وحدت نخبگان اجتماعی توسط برخی از مسئولان

کد اولیه (باز)	عبارت (محتوا)
کمبود اساتید مشترک	تعداد کم اساتید مشترک بین حوزه و دانشگاه که متمایل باشند
تفاوت در فضا	تفاوت فضای معنوی حوزه و دانشگاه، یکسان نبودن فضای فرهنگی حوزه و دانشگاه



شکل ۱. مدل موانع حوزه و دانشگاه

برای اعتبار یابی و به منظور اخذ نظرات صاحب نظران (خبرگان)، یک پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت و در قالب اعداد ۹ گزینه‌ای طراحی شده است. برای بررسی مناسب بودن اجزای الگو، مقیاس ۹ گزینه‌ای به دو بخش ۱ تا ۵ (متوسط و کمتر) به مفهوم نامناسب و ۶ تا ۹ (بزرگ تر از متوسط) به مفهوم مناسب، دسته‌بندی و درصد فراوانی هر گروه محاسبه شد. آمار توصیفی سؤال‌های ارزیابی الگو بیانگر این است که این سؤال‌ها دارای میانگین بزرگ‌تر از 6/45 هستند. همچنین بیشتر صاحب نظران مفاهیم و متغیرهای الگو را مناسب ارزیابی کرده‌اند.

راه کارهای تقویت ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضای هیئت علمی چیست؟ با توجه به مراحل و فرآیندهای گفته شده با تعداد ۲۴ نفر از روحانیون و ۳۰ نفر از اساتید، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. اگرچه از مصاحبه با نفر بیستم به بعد داده‌های گردآوری شده به اشباع نظری رسیدند، اما جهت اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا نفر آخر در هر دو گروه ادامه پیدا

کرد. برای ارتباط حوزه و دانشگاه کارهای ارزشمندی شده است اما هنوز بسیاری از موانع و مشکلاتی که بین این دو نهاد مهم قرار دارد نشان‌دهنده این است که ما در ابتدای راه قرار داریم. در زیرمجموعه راهکارهایی که برای دستیابی به وحدت میان حوزه و دانشگاه توسط دو گروه بیان شدند می‌تواند کمک‌کننده و راهگشای باشد؛ در جدول (۲) راهکارها ارائه شده است.

جدول ۲. راهکارهای تقویت ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضای هیئت‌علمی

دیدگاه متفاوت		دیدگاه مشابه	
دانشگاه	حوزه	دانشگاه	حوزه
۱. چشم‌پوشی از معایب یکدیگر و نقد منصفانه طرفین به صورت مستدل و علمی	۱. برگزاری اردو بین دانشجویان و روحانیون	۱. برنامه‌های مشترک جهت استفاده مطلوب از ظرفیت‌های یکدیگر	۱. تشکیل کارگروه مشترک برای یافتن نقطه‌های مشترک و کار بر روی آن.
۲. پرهیز از هتک حرمت طرفین و اتهام به یکدیگر.	حتی جدا کردن دانشگاه آنان از هم	۲. تدریس و تحصیل روحانیون در دانشگاه و دانشگاهیان در حوزه	۲. جلسات صمیمی بین دانشگاهیان و حوزویان
۳. بازنگری در ارتباطات بین دو نهاد.	۳. ایجاد قوانین برای وحدت و عمل بر اساس آن	۳. انجام تحقیقات و تألیفات مشترک	۳. تدریس بعضی از واحدهای دانشگاهی در حوزه‌ها و بالعکس
۴. تعریف الگوی مطلوب وحدت و معیارهای آن.			۴. پذیرش دانشجویان در حین تحصیل در حوزه و آشنایی آنان با متون حوزوی
۵. شناخت واقع بینانه و متقابل هر نهاد از وظایف و کارکردها یکدیگر			۶. تألیف کتاب‌های مشترک

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده راهکارهای ارتباط مؤثرتر حوزه و دانشگاه ارائه شد؛ اما پدیده اصلی که می‌تواند به وحدت حوزه و دانشگاه آسیب جدی وارد کند، خودبزرگ‌بینی دو قشر است. دانشگاهیان بیشتر بر روش‌های جدید بخصوص در تحقیق پافشاری دارند و فکر می‌کنند حوزویان این ویژگی را ندارند. از سویی دیگر حوزویان، اساتید دانشگاه را فاقد بینش

اسلامی لازم در امور علمی می‌دانند؛ بنابراین وحدت بینشی و شناختی بین این دو قشر می‌تواند مشکلات ارتباطی را کاهش دهد. این وحدت بینشی و شناختی زمانی حاصل می‌شود که حوزویان و دانشگاهیان تعاملات غیررسمی بیشتری داشته باشند. این تعاملات در سایه نشست‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت. در این نشست‌های غیررسمی افراد سعی نخواهند کرد اندیشه‌های خود را به دیگری تحمیل کنند و در نتیجه دیوار تفوق و برتری بین این دو قشر فرو خواهد ریخت و زمینه تعاملات گسترده و رسمی فراهم خواهد شد.

آیا وضعیت کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در سطح مطلوبی است؟ برای پاسخ به این سؤال، از تی تک متغیره استفاده شد که نتایج در جدول (۳) آورده شده است.

برای استفاده از آمار استنباطی ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا خیر؟ در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده، برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. جدول (۳) مشخص کرده است که داده‌ها نرمال است.

جدول ۳. تعیین نرمال و غیر نرمال بودن داده‌ها

توزیع	کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
موانع	۰/۸۹	۰/۴۰۲

با توجه به نتایج جدول (۳) چون مقدار سطح معنی‌داری برای موانع بزرگ‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع فراوانی گویه‌های موانع دارای توزیع نرمال می‌باشد.

جدول ۴. وضعیت کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه

مؤلفه	نمونه	میانگین	t	معنی‌داری
تعارض	۱۳۲	۲/۰۱	۵/۴۰	p<۰/۰۱

شناسایی عوامل مرتبط با وحدت حوزه و دانشگاه (رویکردی آمیخته)

معرفت‌شناسی	۱۳۲	۱/۱۸	۳/۵۷	$p < ۰/۰۱$
شناخت و نگرش	۱۳۲	۱/۵۹	۳/۸۳	$p < ۰/۰۱$

بر اساس آنچه در جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، پس می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می‌شود یا به عبارت دیگر، چون میانگین به دست آمده از نقطه برش ۳ کمتر است؛ وضعیت کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها در سطح مطلوبی نیست و برای ارتباط و وحدت حوزه و دانشگاه موانع و مشکلاتی وجود دارد.

- اولویت‌بندی مؤلفه‌های مشکلات حوزه و دانشگاه از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها چگونه است؟

جدول ۵. اولویت‌بندی مؤلفه‌های مشکلات حوزه و دانشگاه از دید دانشگاهیان

مؤلفه	نمونه	میانگین	سطح معناداری	ارزش خی
تعارض	۸۰	۲/۳۴	$p < ۰/۰۱$	۲۲/۲۵
معرفت‌شناسی	۸۰	۲/۰۸		
شناخت و نگرش	۸۰	۱/۵۸		

بر اساس آنچه در جدول بالا مشاهده می‌شود مؤلفه تعارض با میانگین ۲/۳۴، مهم‌ترین مانع برقراری ارتباط حوزه و دانشگاه می‌باشد و مؤلفه معرفت‌شناسی با میانگین ۲/۰۸ و مؤلفه شناخت و نگرش با ۱/۵۸ از دید دانشگاهیان در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

یافته‌ها و تحلیل

یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه شامل سه مقوله‌ی

کلی تعارض، معرفت‌شناختی و شناخت و نگرش است. مطابق یافته‌ها در بخش کیفی، «تعارض» در حقیقت به معنای تفاوت در نگرش‌ها، احساس عدم توازن در کسب پایگاه‌های دو قشر، تمایلات سیاسی متفاوت دو نهاد باعث عدم ارتباط مؤثر بین حوزه و دانشگاه می‌باشد. بر اساس یافته‌ها، حوزه و دانشگاه زمانی می‌توانند با یکدیگر ارتباط مطلوبی داشته باشند که بتوانند شرایط ارتباط گفتمانی، نهادهای مسئول و وحدت، ایجاد نگرش وحدت سیاسی و ایجاد پایگاه‌های اجتماعی دو قشر را فراهم کنند؛ در حقیقت یکی از امور مهم و توصیه‌های سازنده قرآن، ارتباط آگاهانه افراد آرمانی و حقیقت‌شناس با یکدیگر است (آل‌عمران، آیه ۲۰۰)؛ در حقیقت حوزه و دانشگاه زمانی می‌توانند در یک مسیر قرار بگیرند که ارتباط مؤثر و مناسبی با یکدیگر داشته باشند. بر اساس آنچه به دست آمد، مؤلفه تعارض مهم‌ترین مانع برقراری ارتباط حوزه و دانشگاه از نظر روحانیون و هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌باشد. در حقیقت تعارض به عدم ارتباط گفتمانی و زبانی بین دو قشر، نبود نهادهایی برای بر عهده گرفتن مسئولیت وحدت، تمایلات سیاسی متفاوت حوزه و دانشگاه و احساس عدم توازن در کسب پایگاه‌های اجتماعی در جامعه توسط دو قشر اشاره دارد. بنا بر نظر حضرت امام (ره) ارتباط به خصوص کلامی و گفتمانی سبب از بین رفتن جدایی‌ها و رفع کدورت‌ها می‌شود (مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، ۱۳۷۵)؛ در نتیجه لازم است که دانشگاه و حوزه با یکدیگر تعامل کلامی داشته باشند؛ در حقیقت عدم ارتباط گفتمانی در تشدید جدایی‌ها و عداوت‌ها بسیار مؤثر است و برعکس، وجود آن می‌تواند دل‌ها را به هم نزدیک و شناخت افراد را از قشر مقابل واقعی‌تر کند (احمدی فشارکی، ۱۳۸۵)؛ نتایج این تحقیق در زمینه ایجاد تعامل گفتمانی با بررسی‌های احمدی فشارکی (۱۳۸۷) و میرزا محمدی و صحبت لو (۱۳۸۶) هم‌راستا است؛ بنا بر مطالب گفته شده استنباط می‌شود که تعارض مهم‌ترین عامل در بخش کمی و کیفی است که سبب ایجاد عدم تعامل بین حوزه و دانشگاه شده است.

نتایج این بررسی مشخص کرده است که بعد از مؤلفه تعارض، مؤلفه شناخت و نگرش و مؤلفه معرفت‌شناسی از دید حوزویان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از دید دانشگاهیان بعد از مؤلفه تعارض، مؤلفه معرفت‌شناسی و مؤلفه شناخت و نگرش در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بر اساس آنچه از نتایج در بخش کمی به دست آمد، گویه «نفوذ دشمن در دانشگاه و حوزه و تلاش بر

ایجاد تفرقه بین دو قشر، مهم‌ترین مانع برقراری ارتباط حوزه و دانشگاه می‌باشد. در همین راستا مقام معظم رهبری معتقد است که «اگرچه قصورها و تقصیرهای ما، یقیناً در بروز مشکلات دخیل است، اما دشمنان خارجی را از عوامل اصلی مشکلات می‌دانم» و این سخن امام نشان می‌دهد که ایجاد تفرقه بین این دو قشر سبب عدم تعامل دانشگاه و حوزه شده است (مؤسسه حفظ و تنظیم آثار رهبر انقلاب، ۱۳۸۸) و با نظر شهید مطهری (۱۳۵۹) همخوانی می‌کند. نفوذ دشمن در دانشگاه و حوزه و تلاش بر ایجاد تفرقه بین دو قشر یکی دیگر از نتایج این بررسی در بخش کیفی است. در حقیقت برای نزدیک شدن رابطه بین این دو گروه برجسته اجتماعی، باید تلاش‌های کارشناسانه و علمی صورت گیرد تا بهترین روش‌های وحدت و اتفاق و همچنین عوامل تفرقه‌افکن و اختلاف‌انگیز شناسایی شود. هر دو گروه باید با علاقه به جستجوی عوامل تقریب و دوستی برخیزند و با احساس ضرورت و نقش این پیوند، در جستجوی عوامل استحکام و علل ضعف وحدت برآیند (شایسته نژاد، ۱۳۹۰)؛ در نتیجه لازم است که دانشگاه و حوزه برنامه‌هایی برای فرهنگ‌سازی اهداف یگانه دانشگاه و حوزه در جامعه ایجاد کند.

همچنین گویه «تفاوت در نوع نگرش به مسائل جامعه» و گویه «عدم ارتباط مناسب و عمیق بین این دو قشر» از دید حوزویان در بخش کمی، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. برخی در زمینه ارتباط مناسب و عمیق بین حوزه و دانشگاه معتقدند که «بین علم و دین (و به تبع بین حوزه و دانشگاه) هیچ‌وقت ارتباط منطقی وجود نداشته است، بلکه این ارتباط غیرمنطقی بوده است. مثلاً عالم متقی دینی داشته‌ایم که طیب هم بوده است. ولی این ارتباط منطقی بین علم و دین نیست» (میزگرد، ۱۳۷۸)؛ این گفته‌ها بیانگر این موضوع است که اساساً برخی اعتقاد دارند میان حوزه و دانشگاه تا به حال ارتباطی مؤثر برقرار نشده است و در نهایت گویه «عدم اطلاع کافی از وضعیت علوم روز و اقتضائات آن توسط حوزویان» کم‌اهمیت‌ترین مانع از دید حوزویان به شمار می‌آید. بنابر نتایج به دست آمده، در نوع نگرش به مسائل جامعه افراد تفاوت وجود دارد. در واقع نوع نگاه افراد به مسائل خود و جامعه، نقش مهمی در ساختار فکری و عملی آنان ایفا می‌کند. نگاه منصفانه به امور جامعه، انتقاد عادلانه و به موقع، توجه به نقاط ضعف و قدرت دوستی و دشمنی و موجب اتفاق و همدلی است؛ اما نگاه یک‌جانبه و تکیه بر نقاط قوت یا ضعف بدون توجه به جنبه دیگر آن و جانب‌داری یا مخالف بدون دلیل نسبت به افراد جامعه، موجب تیرگی روابط و در هم

شکستن وحدت است (شایسته نژاد، ۱۳۹۰)؛ بنابراین لازم است که حوزه و دانشگاه نوع نگاه یکسانی به جامعه داشته باشند؛ تا از این طریق بتوانند به اهداف از پیش تعیین شده دست یابند. همچنین گویۀ «کمبود فضای هم‌اندیشی و آشنایی با بینش‌ها و نگرش‌های یکدیگر»، یکی از مهم‌ترین مانع برقراری ارتباط حوزه و دانشگاه می‌باشد. در حقیقت هیچ مؤسسه و نهادی مسئولیت این بخش را بر عهده ندارد، در نتیجه سبب ایجاد عدم تعامل بین حوزه و دانشگاه می‌شود؛ گویه‌های «تفاوت در نوع نگرش به مسائل جامعه» و «عدم ارتباط گفتمانی و زبانی بین دو قشر» از دید دانشگاهیان در رتبه‌های بعدی قرار دارند و این نتایج بیانگر آن است که متأسفانه بین حوزویان و دانشگاهیان ارتباط مستقیم و رودررو وجود ندارد و این امر پیش‌داوری‌های منفی و جانب‌دارانه را در اذهان دو طرف سنگین‌تر و پرده‌های بدبینی و بدفهمی را ضخیم‌تر ساخته است (میرزا محمدی و صحبت لو، ۱۳۸۶)؛ نتایج این بررسی در زمینه شیوه‌های تعامل اصولی و عمیق دانشگاه و حوزه با تحقیق‌های مجیدی (۱۳۸۶) و گل محمدی (۱۳۸۶) و شایسته نژاد (۱۳۹۰) هم راستا است. گویۀ «عدم اطلاع کافی از وضعیت علوم روز و اقتضانات آن توسط حوزویان» با میانگین ۲/۷۳ کم‌اهمیت‌ترین مانع از دید دانشگاهیان است.

متأسفانه هنوز نوع فعالیت‌های علمی و حدومرز آن در حوزه و دانشگاه برای برخی افراد دو قشر ناشناخته است. بسیاری از دانشگاهیان اطلاع ندارند که فعالیت‌های دین‌پژوهی دستور صریح قرآن، همسنگ جهاد در راه خدا، تکلیف شرعی واجب کفایی است و بر عده‌ای لازم است که به این امر اساسی و مهم اهتمام ورزند (توبه، آیه ۱۲۲). طبق یافته‌های این مطالعه معرفت‌شناسی حوزه و دانشگاه در واقع بیشتر به تعریف وحدت، تفاوت در اهداف و شیوه آموزش این دو سازمان اشاره دارد. در حقیقت، معرفت‌شناسی شامل عدم تعریف یکسان از وحدت و نبودن معیارهای مناسب برای وحدت می‌شود و همچنین دوگانه بودن حوزه معرفت‌شناختی از عمده‌ترین موانع وحدت است که از سوی افراد مصاحبه‌شونده مورد تأکید قرار گرفته است و این دوگانگی به معنای آن است که موضوع حوزه علوم دینی و موضوع دانشگاه علوم تجربی می‌باشد. در زمینه معرفت‌شناختی، حضرت امام خمینی (ره) ضمن تأیید دوگانگی معرفت‌شناختی دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، پیشنهاد تلفیق این دو فرهنگ یا کاهش فاصله بین آن‌ها را مطرح می‌کنند و آن را عامل ذوب شدن حوزه و دانشگاه در هم می‌دانند. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها،

حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد (گل محمدی، ۱۳۸۶)؛ البته یکی دیگر از مؤلفه‌های معرفت‌شناختی عدم وجود معیار مناسب می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که پیشرفت بین حوزه و دانشگاه نیاز به ایجاد یکسری ملاک و معیارهای مناسب دارد؛ کارکنان اصلی این دو نهاد در جهت موفق شدن این دو سازمان باید در تلاش باشند که معیار و اهداف مشخصی را تعیین کنند تا در نهایت تمامی اعضای این دو سازمان در مسیر تحقق این اهداف فعالیت‌های انجام دهند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که وضعیت کنونی ارتباط حوزه و دانشگاه از دید روحانیون و اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها در سطح مطلوبی قرار ندارد و برای ارتباط و وحدت این دو نهاد موانع و مشکلاتی وجود دارد. سعی بر این بوده است تا کسانی که در آتیه، حکومت را به دست می‌گیرند از کودکی تا جوانی به گونه‌ای تربیت کنند که از ادیان به‌طور مطلق و اسلام به‌طور خاص و از وابستگان به ادیان به‌ویژه روحانیان و مبلغان متنفر بوده و ایشان را اعمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه‌دار و زمین‌خوار و ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی کنند (عظیمی، ۱۳۹۴). از طرف دیگر با تبلیغات سوء، روحانیان و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانده و همه را به بی‌دینی و بی‌بندوباری و مخالفت با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند؛ بنا به گفته‌های امام خمینی (ره) مشخص می‌شود که عدم تعامل بین دانشگاه و حوزه ریشه در چه مسائلی داشته است؛ همچنین می‌توان عنوان کرد که طبق نتایج این بررسی در زمینه وجود ارتباطات و تعاملات حوزه و دانشگاه، روابط این دو سازمان بسیار ضعف می‌باشد؛ از این رو نتایج و یافته‌های این پژوهش با یافته‌های احمدی و افشانی (۱۳۸۷) و رکنی (۱۳۸۶) هم‌خوانی دارد. بنا بر مطالب عنوان شده می‌توان مطرح کرد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه در بخش کیفی شامل تعارض، معرفت‌شناسی و شناخت و نگرش است. در حقیقت تعامل بین دانشگاه و حوزه زمانی برقرار می‌شود که این دو نهاد بتوانند به‌طور مؤثر زیر مقوله‌های معرفی شده را رعایت کنند. همچنین بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان عنوان کرد که روابط بین حوزه و دانشگاه بسیار ضعف است. شاید مهم‌ترین علت این موضوع آن است که روابط بین حوزه و

دانشگاه در سطح گفتمانی و کلامی بسیار ضعیف می‌باشد و همچنین برنامه‌هایی در جهت ایجاد چنین فضای نیز توسط هیچ‌کدام از دو سازمان انجام نشده است. به‌طور کلی عوامل متعددی در ایجاد چنین شرایطی حاکم است؛ اما مهم‌ترین عامل در بخش کیفی شامل مؤلفه‌های تعارض، معرفت‌شناسی و شناخت و نگرش و سایر زیر مقوله‌های ذکر شده، است. مولفه تعارض مهم‌ترین علت در عدم رابطه حوزه و دانشگاه در بخش کمی از دید حوزویان و دانشگاه است. مهم‌ترین گویه از دید حوزویان، نفوذ دشمن در دانشگاه و حوزه و تلاش بر ایجاد تفرقه بین دو قشر و مهم‌ترین گویه از نظر دانشگاه، کمبود فضای هم‌اندیشی و آشنایی با بینش‌ها و نگرش‌های یکدیگر معرفی شده است. بنابر مطالب گفته شده؛ لازم است که دانشگاه و حوزه، برنامه‌هایی را در جهت اصلاح شرایط برنامه‌ریزی کرده تا در نتیجه بین این دو سازمان وفاق نقشی، وفاق منزلتی، وفاق معرفتی، وفاق فرهنگی و وفاق ارتباطی شکل گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی.
۲. احمدی فشارکی، حمید (۱۳۸). **دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه خمینی (ره)**. تبیان آثار موضوعی (دفتر چهاردهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد پنجم.
۳. احمدی، اصغر و افشانی، سید علی رضا (۱۳۸۷). **نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر. راهبرد فرهنگ**. پاییز، شماره ۳، ص ۱۳۸-۱۲۵.
۴. امین مظفری، فاروق و شمسی، لیمان (۱۳۹۰). **بررسی روش‌ها و رویکردهای تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی؛ مطالعه موردی دانشگاه تبریز. سیاست علم و فناوری**. سال سوم، شماره ۴، صص ۲۹-۱۵.
۵. جمشیدی، محمدحسین و محمدی، احسان الله (۱۳۸۹). **مبانی تحقق وحدت حوزه و دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)**. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. بهار، سال چهاردهم، شماره ۴۵، ص ۷۶-۵۲.
۶. سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۵). **حوزه و روحانیت در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری**. تهران، چاپ اول.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ روزنه.
۸. رکنی، سید محمدباقر (۱۳۸۶). **همدلی حوزه و دانشگاه، ضرورت توسعه ملی**. فصلنامه **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**. پاییز، سال یازدهم، شماره ۳۵، ص ۲۸-۵.
۹. سایت امام خمینی (۱۳۹۲). **نگاه راهبردی امام خمینی و مقام معظم رهبری به وحدت حوزه و دانشگاه**. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21477>. تاریخ مشاهده، ۱۳۹۵/۱۱/۱۷.
۱۰. شایسته‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰). **موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت حوزه و دانشگاه**. فصلنامه **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**. زمستان، سال پانزدهم، شماره ۴۹، ص ۶۱-۴۳.
۱۱. شیرازی، محسن (۱۳۸۶). **وحدت حوزه و دانشگاه؛ نگرش‌ها و دیدگاه‌ها**. **پگاه حوزه**، شماره ۲۲۱.
۱۲. عظیمی، سیدرضا. (۱۳۹۴). **جزوه وصیت‌نامه حضرت امام خمینی (ره)**:

- <http://www.tehransar-samacollege.ir/files/site/users/38/vasaya.pdf>
۱۳. کوشکی، محمدصادق و آجرلو، اسماعیل (۱۳۹۲). تئوری وحدت حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی و رهیافتی بر استعاره معناگرایی قدرت در حقوق عمومی. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۵، ص ۱۶۲-۱۴۳.
۱۴. گرداب (۱۳۹۰). گمشده‌ای به نام وحدت حوزه و دانشگاه
- <http://www.gerdab.ir/fa/news>.
۱۵. گل محمدی، فرهود (۱۳۸۶). تحلیل تاریخی بر وحدت حوزه و دانشگاه. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. زمستان، شماره ۳۶، ص ۱۰۳-۸۱.
۱۶. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۸). شهید آیت‌الله دکتر مفتح و وحدت حوزه و دانشگاه. ماهنامه پاسدار. شماره ۳۳۶، ص ۲۵-۲۰.
۱۷. مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۶). همگرایی حوزه و دانشگاه: ضرورتی برای تحقق اهداف ملی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. پاییز، سال یازدهم، شماره ۳۵، ص ۴۲-۲۹.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). مجموعه آثار. قم: صدرا. جلد ۱۹.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). ۵۵ گفتار. قم: صدرا، چاپ ۴۰.
۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۶، صفحه ۲۱.
۲۱. مؤسسه حفظ و تنظیم آثار رهبر انقلاب. WWW.Khamenei.Ir (۱۳۸۸). تاریخ مشاهده، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۲۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۵). مجموعه مقالات کنگره آثار و اندیشه تربیتی حضرت امام خمینی(س). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چ دوم.
۲۳. میرزا محمدی، محمدحسن و صحبت لو، علی (۱۳۸۶). تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. پاییز، سال یازدهم، شماره ۳۵، ص ۷۶-۴۳.
۲۴. نبوی، سید عباس (۱۳۸۲). نقد مفروضات و متدلوزی تفکر در حوزه و دانشگاه. نشریه پگاه حوزه. قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ش ۹۶-۹۷.
25. Carrier, M. R. Dalessio, A. T. & Brown, S. H. (1990). Correspondence between estimates of content and criterion-related validity values. Personnel Psychology, 43(1), 85-100.

26. Corbin, j. and Stauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedure and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13: 3-21.
27. Creswell, W. j. (2007); *Qualitative inquiry and research design*, sage publications.
28. Hammersley, M. & Atkinson, P. (2007). *Ethnography: Principles in practice*. Routledge.
29. O'Leary, Z. (2004). *The essential guide to doing research*. Sage Publication
30. Thaler, K. M. (2017). Mixed methods research in the study of political and social violence and conflict. *Journal of mixed methods research*, 11(1), 59-76.
31. Wolcott, H. F. (2003). *The man in the principal's office: An ethnography*. Rowman Altamira.